



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شیخ اعظم انصاری (ره) بعد از ذکر اقوال و مدارک آنها بحث دیگری را مطرح کرده و فرموده ؛ اگر هیچکدام از اقوال و مدارک آنها مطلب را برای کسی روشن نکرد و در مسئله شک کرد در این صورت باید به سراغ أدله فقاهتی و اصول برود ، به عبارت دیگر اگر موردی پیش آمد که نتوانستیم از أدله اجتهادی حکم خدا را استنباط کنیم و شک داشتیم باید به سراغ أدله فقاهتی و اصول برویم ، که البته گاهی شک در اصل تکلیف است که برائت جاری می شود و گاهی شک در مکلف به است که اشتغال جاری میشود و در هر کدام از آنها اگر حالت سابقه باشد استصحاب جاری می شود .

شیخ اعظم انصاری می فرماید : « واستدل فی السرائر و غیرها علی هذا القول (أعلى التیم) : بأصالة الاشتغال ؛ لاشتغال ذمته بحق المالك ، ولا تحصل البراءة إلّا بأعلى . و قد یجاب (مجیب صاحب جواهر ج ۳۷ ص ۱۰۴ و ص ۱۰۵ کتاب الغصب) : بأن الأصل فی المقام البراءة ، حیث إن الشك فی التکلیف بالزائد . نعم لا بأس بالتمسک باستصحاب الضمان المستفاد من حدیث الید...» .

علی الید اقتضاء ضمان را برای قابض اقتضاء می کند حتی تودی الی صاحبها و از طرفی ما شک داریم که آیا به أداء أقل ضمان تأمین شده و وظیفه اش عملی شده

یانه ، که در این صورت استصحاب ضمان مقتضی پرداخت أكثر که همان أعلى التیم هست می باشد . خوب حالا ما باید ببینیم علی فرض اینکه نتوانستیم حکم را از أدله اجتهادی استنباط کنیم و برایمان شک بوجود آمد اگر به سراغ اصول رفتیم به کدام اصل باید تمسک کنیم؟ .

این بحث مبتنی بر این است که مبنای ما چه باشد ، اگر مبنای ما این باشد که قیمی مضمون به قیمت است و بعد ما در خود قیمت بین أقل و أكثر شک داریم (که أقل و أكثر نیز در اینجا استقلالی است) ، در این صورت علم إجمالي ما بأحدهم ینحل الی علم تفصیلی نسبت به أقل و شک بدوی نسبت به زائد و أكثر ، که خوب در چنین صورتی برائت جاری می شود که این طبق مبنای صاحب جواهر بود .

سید فقیه یزدی مبنای دیگری دارد ایشان در حاشیه مکاسب می فرماید اگر غصب و یا بیع فاسدی انجام گرفت عرفاً خود عین مقبوض در ذمه قابض باقی است الی یوم الأداء که خوب طبق این مبنی دیگر نمی شود اصل برائت جاری کرد زیرا خود عین از بین رفته و ما باید بدل و جایگزینی بجای آن بدهیم منتهی شک داریم و نمیدانیم که آن بدلی که باید بدهیم تا خسارت بوجود آمده جبران شود و خروج از ضمان بوجود آید آیا أعلى التیم است یا غیر آن؟ که خوب در این صورت اشتغال جاری می شود یعنی ما باید أعلى التیم را بپردازیم تا اینکه یقین به فراغ ذمه برایمان حاصل شود . خوب و اما خود شیخ اعظم انصاری همانطور که عرض

شد فرمودند در صورت شک استصحاب ضمان جاری میشود که مقتضی اعلی القیم می باشد و حضرت امام(ره) نیز در ص ۶۲۴ از جلد اول کتاب بیعشان بعد از نقل کلام شیخ انصاری و بحث در این مطلب آخر الامر مثل شیخ فرموده که استصحاب ضمان جاری می شود .

فقیه همدانی در ص ۱۲۴ از حاشیه ای که بر مکاسب دارد یک نکته ای درباره بحث اشتغال ذکر کرده و فرموده در بحث اشتغال گاهی انسان در زیادی و کمی شک دارد ولی گاهی شک ما شک در مُحصّل است یعنی مأموریه یک امر بسیطی است و ما در مُحقق و مُحصّل آن شک داریم که در اینصورت (شک در مُحصّل) همه اشتغالی هستند ، مثلاً ما نمیدانیم وضوء ۱۰ جزء دارد یا ۹ جزء که در اینصورت نسبت به جزء مشکوک اصل براءت جاری می کنیم اما اگر قرار باشد طهارت که یک امر بسیطی است که وضوء مُحصّل و مُحقق آن است ، را حاصل کنیم در این صورت همه اشتغالی هستند یعنی باید تمام ۱۰ جزء وضو را بجا بیاوریم ، فقیه همدانی می فرماید ما نحن فیه نیز همین طور است یعنی ضمان به عهده شخص آمده و اعلی القیم و غیر آن مُحصّل ضمان می باشند که در اینصورت همه اشتغالی هستند یعنی مُحصّل خروج ضمان از عهده بجا آوردن أكثر می باشد لذا باید اعلی القیم پرداخت شود ، این هم منبای فقیه همدانی که به عرضتان رسید ، علی ای حال در اینجا چه در صورت اشتغال و چه در صورت استصحاب ضمان ، حق آن است که باید أكثر یعنی اعلی القیم پرداخت شود ، هذا تمام البحث بتوفیق الله تعالی ، البته آن طور که ما مشی کردیم به نظر ما أدله اجتهادی تمام بود و اعلی

القیم میزان بود منتهی اگر کسی قانع نشد و خواست به سراغ أدله فقهاتی و اصول برود باید طبق مبناهایی که عرض کردیم مشی کند .

خوب و اما بحث دیگری که حضرت امام(ره) در ص ۶۲۷ از جلد اول کتاب بیعشان مطرح کرده اند آن است که : « لا إعتبار بزيادة القيمة بعد التلّف » که مطالعه کنید تا فردا درباره اش بحث کنیم إن شاء الله تعالی

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
محمد وآله الطاهیرین